



«به عنوان مقدمه گفت وگو در رابطه با تاریخچهٔ تشکیل سازمان حفاظت اطلاعات و مجموعه عواملی که باعث شد این سازمان شکل بگیرد، بفرمایید.

حفاظت اطلاعات درگذشته بخشی از واحد اطلاعات سپاه بود، آن موقع که واحد اطلاعات سپاه تشکیل شد یک مأموریتی داشت و آن مقابله با ضد انقلاب ، گروهک‌های نفاق و گروه‌هایی که به هرحال به نحوی مقابل نظام جمهوری اسلامی ایستاده بودند و توطئه می‌کردند، بود. آن زمان در حین مبارزه با گروهک‌های ضدانقلاب ، یک بحثی مطرح بود که ممکن است آنها نفوذی‌هایی بر مجموعه سپاه داشته باشند یا به نحوی با نفوذ در اطلاعات سپاه، توانند اطلاعات را به هم کیشان‌شان منتقل کنند. به همین جهت یک بخشی در واحد اطلاعات به اسم حفاظت پرسنل تشکیل شد و این روند تا تشکیل وزارت اطلاعات درسال ۶۳ ادامه داشت. بدین ترتیب واحد اطلاعات به سه بخش تقسیم شد. یک بخش با وزارت اطلاعات ادغام شد ، بخش دیگر واحد اطلاعات سپاه را با وظایف جدیدش که صرفاً اطلاعات نظامی بود ، تشکیل داد و بخش سوم هم به عنوان حفاظت اطلاعات سپاه باقی ماند. در واقع آغاز تشکیل سازمان حفاظت اطلاعات سپاه در سال ۶۳ بدین صورت بود.

مأموریت این مجموعه هم که در سال ۱۳۷۰ به تصویب مقام معظم

رهبری رسید به عنوان یک سازمان مستقل ، به شکل سلسله مراتب

مستقل و متمرکز در تابعیت مستقیم فرماندهی معظم کل فوا ، کشف

، شناسایی ، بررسی ، پیگیری ، مقابله و خنثی‌سازی طرح‌ها،

برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که منجر به براندازی ، جاسوسی ،

خرابکاری، ایجاد ناراضیی و اختلال در مأموریت سپاه و مقابله با

نفوذ جریانات سیاسی و انحرافی در درون سپاه، بود تعیین و ابلاغ

شد.

* **اوایل انقلاب سازمان سپاه شکل و انسجام الآن را نداشت، آنهایی هم که آن را شکل داده بودند، افرادی بودند که هیچ گونه سابقه کار نظامی نداشتند و اگر هم داشتند خیلی محدود بود و کار حفاظتی نیز به آن شکل اِجَام ندهاده بودند.** این رسیدگی به مسائل حفاظتی در آن ایام چطور شکل و سازمان گرفت که باعث شد سپاه به این دوام و قوام برسد ؟

یکی از مشکلات این بود که مرکزی جهت انتقال آموزش های اطلاعاتی به نیروهای جدید سپاه نداشتیم وتقریباً هر آن چه نیروها آموخته بودند ،آموزه‌های تجربی بود. چون انقلاب ما انقلابی بود که در مقابل شرق وغرب ایستاده بود و هیچ کدام از سازمان‌های اطلاعاتی موجود در دنیا حاضر نبودند تجربه‌ای را به مجموعه سپاه منتقل کنند. به عبارت دیگر یک کار کاملاً خودکفا، خود اتکا، مستقل، با تکیه بر تجارب شخصی و سازمانی خود سپاه بود. در این میان به تنها موردی که می‌توان اشاره کرد ، نوشته‌ها و آموزش‌های مکتوبی بود که از نیم ضداطلاعات آن موقع رژیم شاه و ساواک بدست می‌آمد. البته آن هم به شکل مکتوب نه به شکل دوره‌های آموزشی و روش‌هایی که قابل انتقال باشد . زیرا مبانی ما کاملاً با مبانی زمان شاه یا دوران طاغوت مقابل هم قرار داشت. چرا که مبانی اطلاعاتی آنها متکی به آموزش‌های آمریکا ، اسرائیل و انگلستان بود و این از نظر مبانی و اساس کاملاً نقطه مقابل آموزش‌های اطلاعاتی مبتنی بر تفکر اسلامی و دینی حضرت امام و انقلاب ما قرار داشت.

* **زمانی که درگیری‌های مرزی آغاز شد ، بعضاً فرماندهان و کارکنانی که در مناطق درگیری حضور داشتند به مسائل حفاظتی توجه آنچنانی نمی‌کردند.** بفرمایید علتش چه بود و چرا مسائل حفاظتی رعایت نمی‌شد؟

جنگ تحمیلی یک جنگ ناگهانی و غافلگیرانه‌ای بود که نظام با آن مواجه شد. در آن زمان سپاه برای مقابله با یک تهاجم سنگین و وسیعی مثل جنگ تحمیلی تشکیل نشده بود. از این رو نیرویی که مقابل دشمن ایستادگی کرد ، نیروهای مردمی بودند. نیروهایی که به شکل سازمان‌نیافته وارد جبهه‌ها شده بودند و همان‌ها به تدریج گردان ، تیپ و لشکر را تشکیل دادند. از سوی دیگر چون از ریشه

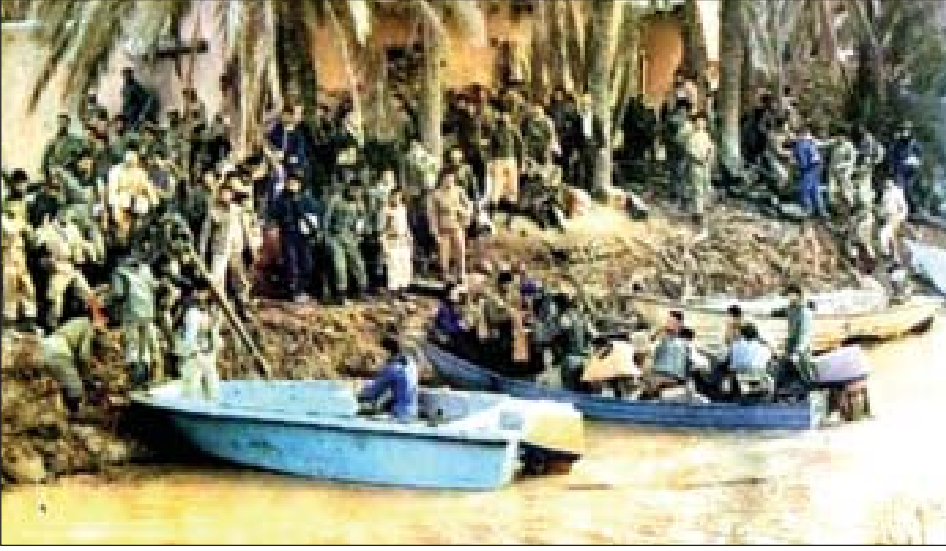
...بیباید بشمرند، چند نفر از آن مرفه‌ها، چند نفر از آنهایی که حالا نشستند و بدگویی می‌کنند برای جمهوری اسلام، با آنها چند نفر رفتند به جبهه؟ آنها چند تا شهید دادند؟ اگر یکی پیدا کردید!مگر آن یکی از آنها منفصل شده باشد، ممکن است.ممكن است که يك نفر از آن خانه مرفه اش منفصل شده باشد و حزب الله شده باشد او برود، اما این کم است. هر چه شهید است می بینید که مال این قشر محروم است.

صحیفه نور، ج ۱۹، ص۲۵۵

جانشین سازمان حفاظت اطلاعات سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

والفجر هشت نقطه عطف در رعایت اصول حفاظت و اطلاعات بود

انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به پیروزی رسید، اما طولی نکشید که ملت ایران درگیر جنگی ناخواسته و تحمیلی از سوی دو لث بعث عراق، شدند. در این جنگ هر چند ارتش عراق توانست در سال اول جنگ بخش‌هایی از کشورمان را تصرف کند، اما پس از آن، حملات نیروهای ارتش و سپاه برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی آغاز شد. یکی از عملیات‌های بزرگ و پیروزی‌آفرین رزمندگان اسلام، عملیات «الفجر ۸» است. این عملیات که در هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجام شد، دستاوردهای بزرگی را به همراه داشت. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این عملیات که عامل اصلی این پیروزی اعجاب‌آور بود توجه کامل فرماندهان و نیروهای رزمنده به رعایت اصول حفاظتی بود. برای آشنایی بیشتر با ابعاد رعایت و اهمیت اصول حفاظتی به کار گرفته‌شده در این عملیات، گفت‌وگویی را با سردار احمد عبداللّه‌زاده، جانشین سازمان حفاظت اطلاعات سپاه و از فرماندهان دوران دفاع مقدس انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید. گفتنی است ۲۰ بهمن روز آغاز عملیات پیروزوالفجر هشت در سال ۶۴ ، روز حفاظت اطلاعات در سپاه نامگذاری شده است.



کسی متوجه رعایت نکات حفاظتی نبود به تدریج مشکلات و معضلات ناشی از عدم رعایت مسائل حفاظتی نمود پیدا کرد. این امر موجب شد تا همه فرماندهان بالاتفاق ، احساس کنند اتفاقات و حوادثی که رخ می‌دهد به علت عدم رعایت مسائل حفاظتی در همه ابعاد آن است ، البته ما در عملیات‌های اوایل سال۵۹ ، ۶۰ و ۶۱ شاید خیلی این نیاز را احساس نمی‌کردیم. هرچند باز نفوذی‌هایی داشتیم که اطلاعات و اسناد را منتقل می‌کردند، اما وقتی در مرحله‌ای از جنگ یعنی از رمضان ، محرم، والفجر مقدماتی و حتی تا خبیر و بدر به عدم الفتح رسیدیم، احساس شد خلایق در این میان وجود دارد. بنابراین بعد از این عدم‌الفتح‌ها ضرورت مباحث حفاظتی طرح و احساس شد باید مجموعه‌ای تشکیل بشود که وظیفه و مأموریتش توجه خاص و ویژه به رعایت نکات حفاظتی باشد تا بدین طریق مانع نفوذ دشمن و درز اطلاعات شود. بدین ترتیب تقریباً از سال۶۳ مجموعه‌ای به اسم حفاظت اطلاعات در جبهه‌ها ایجاد شد. البته قبل از آن هم بود ولی حضور پر رنگی نداشت.

***در دوران دفاع مقدس ما شاهد هستیم که بعضی از عملیات‌ها مثل عملیات قادر با شکست مواجه می‌شود یا در عملیات‌های دیگری همچون بدر ، خبیر و رمضان که در منطقه هور صورت می‌گیرد به اهداف پیش‌بینی شده دست پیدا نمی‌کنیم . اوج این موضوع بر می‌گردد به کربلای ۴** که با شکست مواجه می‌شود . حال بادر نظر گرفتن این نکته، چرا در این عملیات‌ها نکات حفاظتی به نحو احسن پیش‌بینی و اجرا نمی‌شد؟

عدم‌الفتح‌ها همه‌اش به مسائل حفاظتی برمی‌گشت . زیرا

هنر حفاظت از اطلاعات

اکبر صفری

امروزه گسترش و رشد خیره‌کننده فن‌آوری در حوزه‌های مختلف علمی ، شریاطی را لحاظ نموده که در موارد بسیاری این جهش‌های علمی به همان اندازه که در فراهم نمودن زمینه‌های آسایش و خدمت به جامعه انسانی موثر بوده در موارد بسیاری نیز زمینه افزایش تهدیدات و مخاطرات را از سوی دشمنان فراهم نموده است .

لذا وجود این واقعیت‌ها، ناخواسته شرایطی را فراهم نموده که انسانها علاوه بر این که برای افزایش ضریب ایمنی ، تسریع در عملیات‌های مختلف ، افزایش رفاه ، کاهش هزینه‌ها و بسیاری از مشکلات دیگر ناگزیرند هماهنگ و منطبق با سایر جوامع در زمینه‌های مختلف علمی و تولید علم تلاش وافر نمایند. از طرفی نیز برای حفظ دستاوردها و مقابله با انواع تهدیدات نرم ، سخت و نیمه سخت نیز به نقش علوم و فن‌آوری‌های گوناگون توجه جدی نمایند .

در این میان اطلاعات به عنوان یکی از منابع استراتژیک ارزشمند همواره در خط مقدم این تهدیدات حضور داشته که دشمن همواره تلاش نموده برای افشای ، دستیابی و امحاء هر اندازه از آن ، ضمن سرمایه‌گذاری‌ها گسترده از روش‌های بسیار متنوع ، پیشرفته و پیچیده‌ای نیز استفاده نماید. بنابراین همگام با رشد سریع فن‌آوری ، زمینه‌های نفوذ و امکان دست‌یابی دشمن به اطلاعات از طرق مختلف نیز نسبت به گذشته بسیار افزایش یافته است . طوری که امروزه حفاظت از اطلاعات بعنوان یک هنر ظریف نیازمند تدابیر و راهکارهای است که باید ضمن برخورداری از نوآوری و خلاقیت از قدرت رقابت با راههای نفوذ دشمن نیز برخوردار باشد .

انتقال حجم بسیار گسترده‌ای از انواع اطلاعاتی در یک بازه زمانی اندک ، امکان شنود مکالمات از فواصل دور ، استفاده از تجهیزات و سیستم‌های بسیار ریز مراقبتی با اشکال گوناگون و حساسیتهای فوق‌العاده بالا و . . . به اندازه‌ای در زمینه جاسوسی و امکان دسترسی غیر مجاز به اطلاعات تأثیرگذار بوده که دیگر استفاده از ایده‌ها و تجهیزات سنتی و قدیمی مرسوم برای حفاظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده کافی نیست .

به عنوان نمونه استفاده فراگیر از سیستم‌ها و تجهیزات گوناگون و ارتباطات شبکه مدار که امروزه به عنوان یک ضرورت و نیاز کاری در اکثر قسمتهای یک جامعه مرسوم شده و به نوعی نیز جزء لاینفک بسیاری از فعالیتهای روزانه نیز بشمار می‌رود از جمله مواردی است که کنار ارائه خدمات به کاربران ، بستر مناسبی نیز برای فعالیتهای جاسوسی دشمن بشمار می‌رود .

بنابراین ما بلحاظ نیاز استفاده از این سامانه‌ها و زیر ساختها و از طرفی نیز ممانعت از فعالیتهای آشکار و پنهان دشمن در زمینه دستیابی به اطلاعات ، ناگزیریم در عرصه جنگ هوشمند اطلاعاتی تدابیری را اتخاذ نماییم که علاوه بر این که تا حد امکان مانعی برای فعالیت کاربران در حوزه‌های مختلف ایجاد نشود در عین حال دشمن را در دستیابی به مقاصد خویش ناکام گذاریم .

لذا در عرصه حفاظت از اطلاعات از طرفی به جهت پوشش حفره‌های امنیتی موجود در بخش‌های نرم‌افزاری و مقابله با راههای نفوذ در بخش‌های سخت‌افزاری می‌بایست علاوه بر برخورداری از یک اشراف اطلاعاتی بر فعالیتهای دشمن ، خود نیز در استفاده از حوزه‌های مختلف فن‌آوری ، به ویژه با رویکرد بومی رویه‌ای را اتخاذ نماییم که دشمن را در دست یابی به اطلاعات مأیوس نمایم .

اما از آنجا که دشمن برای دستیابی به اطلاعات یک سازمان تنها به بخش‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اکتفا نمی‌کند و به بخش مغز افزاری یک سازمان بیش از هر چیز دیگری اهمیت می‌دهد لذا در این میان توجه به خطاهای انسانی کارکنان و اطرافیان آنها (خانواده‌ها) در اشفه اطلاعات یک سازمان قابل اغماض نمی‌باشد . بنابراین علاوه بر آنچه بیان گردید توجه به آموزش پرسنل و کاربران ، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی از فعالیت‌ها و اهداف دشمن ، افزایش همکاری بین پرسنل و حفاظت اطلاعات سازمان ،

پرنگ نمودن تعصب سازمانی بین افراد شاغل در یک سازمان و نحوه دسترسی آنان به اطلاعات طبقه‌بندی شده بخشهایی از هنر حفاظت از اطلاعات در دنیای امروز محسوب می‌گردد که می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد.



...بیباید بشمرند، چند نفر از آن مرفه‌ها، چند نفر از آنهایی که حالا نشستند و بدگویی می‌کنند برای جمهوری اسلام، با آنها چند نفر رفتند به جبهه؟ آنها چند تا شهید دادند؟ اگر یکی پیدا کردید!مگر آن یکی از آنها منفصل شده باشد، ممکن است.ممكن است که يك نفر از آن خانه مرفه اش منفصل شده باشد و حزب الله شده باشد او برود، اما این کم است. هر چه شهید است می بینید که مال این قشر محروم است.

صحیفه نور، ج ۱۹، ص۲۵۵

رعایت نکات حفاظتی در سپاه محسوب می‌شود ، چگونه صورت گرفت؟

وقتی بحث از عملیات والفجر ۸ شد یکی از مسائلی که طرح شد این بود که احساس شد که ما باید حتماً این عملیات را با قدرت انجام بدهیم و یکی از نقاط قدرت و قوت ما هم رعایت مسائل حفاظتی باشد. یعنی باید بتوانیم دشمن را کاملاً غافلگیر کنیم تا موفق شویم. چون تقریباً در همه مناطق خصوصاً جنوب، دشمن منطقه را کاملاً مسلح کرده بود. لذا شکست‌ها یا به عبارت دیگر عدم الفتح‌ها، همه فرماندهان و مسئولان را به این نقطه رساند که در عین تقویت نیروهای خودی ، سازماندهی ، آموزش ، انتخاب محل مناسب و ضربه‌پذیر دشمن، نکته دیگری را هم که باید خوب دقت شود، رعایت کامل مسائل حفاظتی است. این مهم با همکاری کامل ، درک ضرورت درست از مسائل حفاظتی و آمادگی‌های خوبی که ایجاد شد، توانستیم دشمن را ۱۰۰ درصد غافلگیر کنیم .در این غافلگیری به حدی بود که تا دو سه روز اول فکر می‌کردند عملیات اصلی در منطقه دیگری است. زیرا هور را به عنوان منطقه فریب انتخاب کرده بودیم و همه تلاش‌مان هم این بود که دشمن متوجه منطقه هور شود که شد. این موجب شد تا دشمن تمام تلاشش را صرف هور کند و از منطقه فاو غافل شود. پس یکی از پارامترهایی که موثر واقع شد رعایت مسائل حفاظتی بود. بر این اساس اوج مسائل حفاظتی را عملیات والفجر ۸ می‌دانیم. برای همین است که ما روز حفاظت اطلاعات را روز ۲۰ بهمن هر سال انتخاب کردیم.

* **در والفجر ۸همان‌طور که اشاره کردید با رعایت یک سری بحث‌های اطلاعاتی و حفاظتی منطقه هدف فتح شد. در این بین برای از بین بردن تمرکز دشمن چه اقداماتی صورت گرفت ؟**

در پوشش عملیات والفجر ۸ ، سه تا کار انجام گرفت. اولین اقدام انتخاب منطقه فریب بود. قبل از عملیات والفجر ۸ سپاه و ارتش با هم عملیات مشترک انجام می‌دادند، اما دراین مقطع از جنگ قرار شد سپاه و ارتش هر کدام خودشان به صورت مجزا تک بزنند . بر این اساس ارتش، شلمچه و سپاه، فاو را انتخاب کرد ومقرر شد هر کدام موفق شدند آن منطقه اصلی باشد. بدین ترتیب سپاه عمل کرد و موفق شدخط را بشکند و منطقه را تصرف کند. اما ارتش در عملیاتش که شلمچه بود موفق نشد. علاوه بر این سپاه عملیات دیگری هم در منطقه ام‌الرصاص و بوآرین انجام داد که قرارگاه نجف مستولش بود. این هم در واقع یک تک پشتیبانی بود.

یک سری کارهای مهندسی هم در منطقه سومار انجام دادیم. این منطقه هم منطقه فریب بود.

***ظاهراً اولین حضور نیروهای حفاظت در عملیات‌ها از عملیات بدر شروع شد، همین‌طور است؟**
حضور موثر بله ، البته نه اینکه حفاظت نبود بلکه حفاظت

قبلش هم بود ولی تا قبل از بدر کار سنگین حفاظتی نداشتیم . در عملیات بدر نسبتاً کار حفاظتی مناسبی انجام شد و همان زمینه‌ای شد برای اینکه ما بتوانیم کارهای عمیق‌تر و با کیفیت بالاتری در عملیات بعدی‌مان که همان والفجر ۸ بود، انجام دهیم .

***دربحث رعایت نکات حفاظتی یک بخشش عملیات‌هایی بود که توسط ایران انجام می‌شد و بخش دیگر آن برمی‌گردد به عملیات‌هایی که از سوی عراق صورت می‌گرفت. برای آن بخش چه توضیحی می‌توانید ارائه دهید؟**

ما از عملیات بیت‌المقدس تا والفجر ۱۰ در تهاجم بودیم، ولی عملیات بزرگ و سرنوشت‌سازی به استثنای اواخر جنگ یعنی ماه‌های پایانی جنگ تا بعد از قطعنامه از عراق ندیدیم. در این ایام ، عراق از فاو شروع کرد بعد زد به هور و شلمچه و همین‌طور آمد و مناطق بیشتری را تصرف کرد . این موفقیت‌های عراق هم بخشی از آن به دلیل رعایت نکردن یک سری نکات حفاظتی از سوی ما بود البته ما از نظر طراحی‌ها، نیرو و امکانات هم در مضیقه بودیم حتی اینکه منطقه جنوب را رها کردیم رفتیم غرب و عملیات والفجر ۱۰ را انجام دادیم هم خیلی درباره آن بحث شد که آیا این کار درست بود یا نه ؟ به هر صورت تخلیل خودمان این است که جدای از مشکلات موجود ، حتماً یک سری نکات حفاظتی در نظر گرفته نمی‌شد. ولی شاید سهم این بخش کمتر باشد یعنی علت اصلی این بود که عراق دست ما را خوانده بود و می‌دانست ما یک عملیات بزرگ مثل والفجر ۱۰ را که انجام می‌دهیم ، همه نیروها را می‌بریم تاآنجا را تصرف کنیم وتا دوباره خودمان را آماده و تجهیز و سازماندهی کنیم، یک دوره زمانی طول می‌کشد. این تخلیلی بود که به نظر من عراق از نوع عملکرد ما به آن رسیده بود به همین جهت توان خودش را در عملیات والفجر ۱۰ کم بکار گرفت و در شرایطی عملیات خود را آغاز کرد که ما در یک غافلگیری کامل فاو را از دست دادیم .

***از تجاربی که در دوران دفاع مقدس حاصل شد چه مواردی را می‌توانید ذکر کنید.**

تجارب گرانبهایی به دست آمد که بعدها هم سعی شد این‌ها مکتوب شودتا در مجموعه سپاه مورد استفاده قرار گیرد، اما الآن به نظر می‌آید که متأسفانه این کار هنوز هم در مراکز آموزشی ما به نحو احسن انجام نشده است. حتی در بحث‌های نظامی که اختصاصاً مربوط به خود ما بود هم در آموزشهای مان استفاده نمی‌تند و دنبال آموزش‌های کلاسیک نظامی رفتیم. این درحالی است که به نظر می‌آید شرایط جدید ما با زمان جنگ با صدام که یک دشمن منطقه‌ای و همسایه بود خیلی فرق می‌کند این دفعه طرف مقابل ما آمریکایی‌ها هستند . یعنی اگر با آنها درگیر شویم باید از شیوه جنگ نامتعارف که چند سالی به عنوان استراتژی نظامی سپاه انتخاب شده، استفاده کنیم .به همین علت شرایط حفاظتی نیز متفاوت با زمان جنگ صدام خواهد بود. در آن زمان ستون‌کنشی داشتیم ولی در این شرایط نمی‌شود ستون‌کنشی کرد. حتی نوع ارتباطات ما که در جنگ از بی‌سیم‌ها و متعددی استفاده می‌کردیم، در نبرد نامتعارف نمی‌توانیم از آن شیوه استفاده کنیم. بنابراین باید متناسب با توانندی‌های دشمن جدید از تجارب قبلی استفاده کنیم، اما با یک حجم بالاتر ، تخصص و کیفیت بیشتر . لذا از آنجایی که جنگ آینده یک جنگ حفاظتی است ، پس هر کس بتواند حفاظتش را کامل‌تر ، دقیق‌تر و بدون عیب انجام دهد موفق خواهد بود. به عبارت دیگر اگر در آن زمان حفاظت درصدی از موفقیت‌ها بود، اینجا حفاظت اصل است.

روی خط خاطره



مرضیه حدیدیچی (دباغ):

همان شب پیروزی، یکی از برادرها مرا صدا زد: «خواهر طاهره! لطفاً بیایید با تلفن صحبت کنید، یک نفر به عربی حرف می‌زند، ما نمی‌فهمیم که چه می‌گوید، بیا ببین حرفش چیست؟»

رفتم و گوش‌ی را گرفتم آقایی به عربی گفت: «ابوعمار [یاسر عرفات] می‌خواهد با شما صحبت کند.» چند لحظه بعد عرفات گوش‌ی را برداشت و پس از سلام و احوال‌پرسی بدون مقدمه گفت که می‌خواهد به ایران برود و مثل بچه التماس می‌کرد: «یا اختی‌انا مضطر انا راح بالایران...» (یعنی ای خواهر من برای رفتن به ایران بیقرارم...) هر چه به او توضیح دادم که در این وضعیت نمی‌شود، امکان ندارد، فرودگاه‌ها بسته است و خطر دارد، گوشش بدهکار نبود و اصرار می‌کرد که اجازه‌اش را بگیرم که به ایران برود. با برادرها تماس گرفتم و وقتی گفتند امام گفته‌اند: لازم نیست، فرودگاه‌ها بسته است. با دفتر یاسر عرفات تماس گرفتیم و نظر امام را به او انتقال دادیم. عرفات گفت که من این حرف‌ها سرم نمی‌شود، من می‌خواهم به ایران بروم، من باید اولین کسی باشم که به امام تبریک می‌گویم و... آن قدر صحبت کرد که باز من متقاعد شدم دوباره به تهران زنگ بزنم.

فرادی آن روز برادران‌مان از تهران گفتند که به عرفات بگویید اگر می‌تواند از راه زمین و از طریق عراق و خرمشهر بیاید. بعد یاسر عرفات زنگ زد و من عین جملات را برای او بازگفتم. خیلی خوشحال شد و تشکر کرد. یاسر عرفات سرانجام به ایران آمد و جزو السابقون در تبریک‌گویی به انقلاب ایران شد.